

- ز) بخش نخست شامل متن عربی و تصحیح شده کتاب و بخش دوم ترجمه متن به زبان فرانسوی است.

◀ منابع

الاعلام: الزرکلی (م. ۱۳۹۶ق.)، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۹م؛ ایضاح المکنون: اسماعیل پاشا البغدادی (۱۳۳۹ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی: ایگناتی یولیانوویچ کراچکوفسکی، ترجمه: پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹ش؛ الروض المعطار: محمد بن عبدالمنعم الحمیری (م. ۹۰۰ق.)، به کوشش احسان عباس، بیروت، مکتبه لبنان، ۱۹۸۴م؛ معجم المطبوعات العربیه: یوسف الیان سرکیس (م. ۱۳۵۱ق.)، قم، مکتبه النجفی، ۱۴۱۰ق؛ معجم ما استعجم: عبدالله البکری (م. ۴۸۷ق.)، به کوشش السقاء، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۳ق.

علی احمدی میرآقا



استار ← استتلال

استخاره: روشی ویژه برای درخواست

خیر از خداوند؛ از آداب سفر حج

استخاره مصدر باب استفعال از ریشه

«خ - ی - ر» به معنای درخواست خیر است.^۱

این واژه در اصطلاح متون دینی و فقه

۱. مفردات، ص ۳۰۱؛ لسان العرب، ج ۴، ص ۲۶۶، «خیر».

اسلامی، به معنای درخواست فراهم آمدن خیر از خداوند است.^۲ بر پایه روایات^۳، خیرخواهی از خداوند در همه کارها نیکو و پسندیده^۴ و انجام دادن کار بدون خیرجویی از پروردگار، ناپسند و نکوهیده است.^۵ بر پایه روایت‌ها، پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام دیگران را به استخاره دعوت کرده^۶، آن را گونه‌ای مشورت با خدا قلمداد می‌کردند.^۷ سیره معصومان علیهم‌السلام نیز از استخاره آنان حکایت دارد. بر پایه روایتی، امام سجاد علیه‌السلام هنگام اهتمام به اموری چون حج و عمره و خرید و فروش، دو رکعت نماز می‌گزارد. سپس با خواندن دعا، از خدا طلب خیر می‌کرد.^۸ بر پایه روایتی دیگر، امام صادق علیه‌السلام در امور عادی هفت بار و در کارهای مهم ۱۰۰ بار از خدا خیر می‌خواست.^۹ بر پایه فقه امامی^{۱۰} و اهل سنت^{۱۱}، استخاره از آداب سفر به شمار می‌رود و دو روش دارد:

۲. عون المعبود، ج ۴، ص ۲۷۷؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۲۳.

۳. فتح الابواب، ص ۱۴۹-۱۵۰؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۳.

۴. الاذکار، ج ۱، ص ۲۳۰؛ الحدائق، ج ۱۰، ص ۵۳۱.

۵. المهذب، ج ۹، ص ۱۰۵؛ هداية الامه، ج ۳، ص ۳۰۷.

۶. الکافی، کلینی، ج ۳، ص ۴۷۰.

۷. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۶۲؛ الکافی، کلینی، ج ۳، ص ۴۷۳؛ المحاسن، ص ۵۹۸.

۸. الکافی، کلینی، ج ۳، ص ۴۷۰.

۹. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۶۳.

۱۰. جواهر الکلام، ج ۱۲، ص ۱۵۷؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۲۳.

۱۱. احیاء علوم الدین، ج ۲، ص ۲۵۳؛ المجموع، ج ۴، ص ۳۸۵؛ فقه

السنة، ج ۱، ص ۶۱۶.

دعاهای استخاره، درخواست خیر دنیا و آخرت همراه عاقبت نیک است. پس از استخاره، فرد باید به قلب خود رجوع کند و کاری را که قلبش بدان تمایل دارد، انجام دهد.^{۱۰}

◀ **آداب استخاره:** بر پایه منابع حدیث و آداب، برای استخاره آدابی یاد شده است: غسل کردن^{۱۱} یا وضو گرفتن^{۱۲}، انتخاب زمان‌ها و مکان‌های مقدس و حالت‌های مناسب از جمله پس از ادای نمازهای واجب^{۱۳}، آخرین رکعت نماز شب^{۱۴}، هنگام نیمروز^{۱۵}، کنار مزار امام حسین علیه السلام^{۱۶}، در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله^{۱۷} و در حال سجده^{۱۸} از دیگر آداب استخاره، تعظیم و ستایش الهی^{۱۹}، آرزوش خواستن و ذکر صلوات^{۲۰} و سخن نگفتن هنگام استخاره^{۲۱} است.

أ. استخاره با نماز و دعا. فقیهان امامیه^۱ و اهل سنت^۲ نماز استخاره را از نمازهای مستحب بر شمرده‌اند. بر پایه حدیث‌ها، این نماز دو رکعت دارد و پس از آن دعاهایی خاص خوانده می‌شود.^۳ در برخی منابع حدیثی^۴ و غیر حدیثی^۵ افزون بر این، خواندن سوره کافرون پس از حمد در رکعت نخست و سوره اخلاص پس از حمد در رکعت دوم سفارش شده است.

ب. استخاره با دعا. بسیاری از امامیان تحقق استخاره با دعا را پذیرفته‌اند.^۶ اما شماری از اهل سنت تنها در صورت ممکن نبودن روش نخست، این شیوه را تجویز کرده‌اند.^۷ از مهم‌ترین دعاهای استخاره، دعای یاد شده در صحیفه سجادیه است.^۸ بر پایه روایتی، گفتن ۱۰۱ بار «أستخیر الله برحمته»، در سجده رکعت پایانی نماز شب سفارش شده است.^۹ مضمون

۱۰. الاذکار، ج ۱، ص ۱۱۰؛ السرائر، ج ۱، ص ۳۱۳.
 ۱۱. التهذیب، ج ۱، ص ۱۰۴؛ المحاسن، ص ۶۰۰.
 ۱۲. المحاسن، ص ۵۹۹.
 ۱۳. فتح الایوب، ص ۲۳۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۲۵۴.
 ۱۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۶۳.
 ۱۵. فتح الایوب، ص ۲۶۰-۲۶۱؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۸۳.
 ۱۶. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۸۶؛ فتح الایوب، ص ۲۴۰؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۸۳.
 ۱۷. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۸۶؛ فتح الایوب، ص ۲۴۳؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۵.
 ۱۸. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۶۲-۵۶۳.
 ۱۹. حاشیه الدسوقی، ج ۱، ص ۲۰-۲۱.
 ۲۰. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۶، ۷۱.
 ۲۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۶، ۷۶.

۱. الکافی، حلبی، ص ۱۱۶؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۳۷.
 ۲. احیاء علوم الدین، ج ۲، ص ۲۵۳؛ المجموع، ج ۴، ص ۳۸۵؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۶۱۶.
 ۳. الکافی، کلینی، ج ۳، ص ۴۷۱-۴۷۳؛ صحیح البخاری، ج ۲، ص ۴۱.
 ۴. الکافی، کلینی، ج ۳، ص ۴۷۲.
 ۵. المدخل، ج ۴، ص ۳۹؛ حاشیه الدسوقی، ج ۱، ص ۲۰-۲۱.
 ۶. المهذب، ج ۹، ص ۱۰۰؛ ذکری، ج ۴، ص ۲۶۷؛ الحلائق، ج ۱۰، ص ۵۲۵.
 ۷. الاذکار، ج ۱، ص ۱۱۰؛ حاشیه رد المحتار، ج ۲، ص ۲۸.
 ۸. صحیفه سجادیه، دعای ۹۲.
 ۹. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۶۳.

فقیهان امامی به پشتوانه سیره امامان علیهم‌السلام یکی از مهم‌ترین آداب سفر حج را استخاره و طلب خیر از خداوند بر شمرده‌اند.^۱ به تصریح شماری از دانشوران اهل سنت، استخاره تنها درباره کارهای مباح یا هنگام انتخاب دو مستحب، مشروع است.^۲ بر این اساس، استخاره درباره اصل به جا آوردن حج روا نیست،^۳ هر چند درباره انجام دادن حج مستحب^۴، انتخاب همراهان^۵ و برخی جزئیات سفر^۶ روا است.

واژه استخاره در حدیث‌ها و منابع شیعه به مفهومی دیگر، یعنی طلب شناخت خیر در کار مورد نظر، نیز به کار می‌رود.^۷ بر پایه حدیث‌هایی^۸، استخاره بدین معنا تنها هنگام تردید و دشواری تشخیص خیر و شر کاربرد دارد و در ادای واجبات و ترک محرمات جا ندارد.^۹ فقیهان درباره امکان انجام این‌گونه استخاره در ترک مستحب یا انجام دادن مکروه، اختلاف نظر دارند.^{۱۰}

این استخاره با شیوه‌هایی مانند استخاره با قرآن و تسبیح و استخاره ذات الرقاع صورت می‌پذیرد.^{۱۱} در منابع اهل سنت، از این‌گونه استخاره و روش‌های آن سخن به میان نیامده و حتی برخی از آنان چنین استخاره‌ای را مصداق «ازلام»^{*} و حرام و بدعت دانسته‌اند.^{۱۲} اندکی از امامیان نیز این‌گونه استخاره را مردود شمرده‌اند.^{۱۳} در برابر، بسیاری از دانشوران شیعه^{۱۴} و اهل سنت^{۱۵} با توجه به سیاق آیات مربوط به ازلام، آن را به میسر و قمار تفسیر کرده و استخاره را مصداق آن ندانسته‌اند. گفتنی است مفهوم استخاره با قرآن، با تفأل متفاوت است؛ زیرا استخاره راهکاری برای شناخت خیر در هنگام تردید است. اما تفأل گونه‌ای پیش‌بینی رخدادهای آینده و غیب‌گویی بر پایه آن است.^{۱۶} بر این اساس، حدیث‌های نهی‌کننده از تفأل به قرآن^{۱۷} را نمی‌توان شامل استخاره دانست.^{۱۸}

۱. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۲۲۳.

۲. فتح الباری، ج ۱۱، ص ۱۵۴.

۳. شرح مسند ابی‌حنیفه، ج ۱، ص ۱۷؛ عون المعبود، ج ۴، ص ۲۷۷.

۴. الاقناع، ج ۱، ص ۱۵۳.

۵. الدر المختار، ج ۲، ص ۵۱۸؛ شرح مختصر خلیل، ج ۱، ص ۱۵۵.

۶. الدر المختار، ج ۲، ص ۵۱۸؛ شرح مختصر خلیل، ج ۱، ص ۱۵۵.

۷. الوافی، ج ۹، ص ۱۴۰۹.

۸. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۲۳.

۹. الحدائق، ج ۱۰، ص ۵۳۱؛ کشف الغطاء، ج ۳، ص ۳۰۰؛ منهاج

الهدایه، ص ۷۹.

۱۰. الحدائق، ج ۱۰، ص ۵۳۱؛ کشف الغطاء، ج ۳، ص ۳۰۰.

۱۱. الوافی، ج ۹، ص ۱۴۰۹.

۱۲. المنار، ج ۶، ص ۱۵۰.

۱۳. زبدة البیان، ص ۶۲۶؛ السرائر، ج ۱، ص ۳۱۴.

۱۴. المیزان، ج ۶، ص ۱۱۸؛ دراسات فی المکاسب المحرمه، ج ۲،

ص ۱۸۹.

۱۵. تفسیر قرطبی، ج ۶، ص ۳۹۱؛ المجموع، ج ۲۰، ص ۲۲۸.

۱۶. الوافی، ج ۹، ص ۱۴۱۷؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۲۳؛ جواهر

الکلام، ج ۱۲، ص ۱۷۱.

۱۷. الکافی، کلینی، ج ۲، ص ۶۲۹.

۱۸. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۲۳.

(م. ۲۵۶ق)، بیروت، دار الفكر، ۱۴۰۱ق؛ صحیفه سجادیه: علی بن الحسین علیه السلام (م. ۹۵ق)، به كوشش ابطحي، قم، امام المهدي عليه السلام، ۱۴۱۱ق؛ العروة الوثقى: سيد محمد كاظم يزدى (م. ۳۳۷ق)، قم، نشر اسلامي، ۱۴۲۰ق؛ عون المعبود: العظيم آبادي (م. ۳۲۹ق)، بیروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۵ق؛ فتح الابواب: ابن طاوس (م. ۶۶۴ق)، به كوشش الخفاف، بیروت، آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۹ق؛ فتح الباري: ابن حجر العسقلاني (م. ۸۵۲ق)، بیروت، دار المعرفة؛ فقه السنه: سيد سابق، بیروت، دار الكتاب العربي؛ الكافي في الفقه: ابوالصلاح الحلبي (م. ۴۴۷ق)، به كوشش استادي، اصفهان، مكتبة امير المؤمنين عليه السلام، ۱۴۰۳ق؛ الكافي: الكليني (م. ۳۲۹ق)، به كوشش غفاري، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۷۵ش؛ كشف الغطاء: كاشف الغطاء (م. ۲۲۷ق)، اصفهان، مهدي؛ لسان العرب: ابن منظور (م. ۷۱۱ق)، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق؛ المجموع شرح المهذب: النووي (م. ۷۶۶ق)، دار الفكر؛ المحاسن: ابن خالد البرقي (م. ۲۷۴ق)، به كوشش حسيني، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۲۶ش؛ المدخل: محمد العبدري ابن الحاج (م. ۳۳۷ق)، دار الفكر، ۱۴۰۱ق؛ مستدرک الوسائل: النوري (م. ۳۲۰ق)، بیروت، آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۸ق؛ مفردات: الراغب (م. ۴۲۵ق)، به كوشش صفوان داودي، دمشق، دار القلم، ۱۴۱۲ق؛ المنار: رشيد رضا (م. ۱۳۵۴ق)، قاهره، دار المنار، ۱۳۷۳ق؛ من لا يحضره الفقيه: الصدوق (م. ۳۸۱ق)، به كوشش غفاري، قم، نشر اسلامي، ۱۴۰۴ق؛ منهج الهدايه: ابراهيم الكلباسي (م. ۲۶۱ق)، المهذب: القاضي ابن البراج (م. ۴۸۱ق)، قم، نشر اسلامي، ۱۴۰۶ق؛ الميزان: الطباطبائي (م. ۱۴۰۲ق)، بیروت، اعلمي، ۱۳۹۳ق؛ الوافي: الفيض الكاشاني

◀ منابع

احياء علوم الدين: الغزالي (م. ۵۰۵ق)، بیروت، دار المعرفة؛ الاذکار النوويه: النووي (م. ۶۷۶ق)، بیروت، دار الفكر؛ الاقناع في فقه الامام احمد بن حنبل: ابوالنجا الحجاوي (م. ۹۶۸ق)، به كوشش عبداللطيف، بیروت، دار المعرفة؛ تفسير قرطبي (الجامع لاحكام القرآن): القرطبي (م. ۶۷۱ق)، بیروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۵ق؛ تفسير القمي: القمي (م. ۳۰۷ق)، به كوشش الجزائري، قم، دار الكتاب، ۱۴۰۴ق؛ تهذيب الاحكام: الطوسي (م. ۴۶۰ق)، به كوشش موسوي و آخوندي، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۶۵ش؛ جواهر الكلام: النجفي (م. ۲۶۶ق)، به كوشش قوچاني و ديگران، بیروت، دار احياء التراث العربي؛ حاشية الدسوقي: الدسوقي (م. ۲۲۰ق)، احياء الكتب العربيه؛ حاشية رد المحتار: ابن عابدين (م. ۲۵۲ق)، بیروت، دار الفكر، ۱۴۱۵ق؛ الحقائق الناصره: يوسف البحراني (م. ۱۸۶ق)، به كوشش آخوندي، قم، نشر اسلامي، ۱۳۶۳ش؛ دراسات في المكاسب المحرمه: منتظري، قم، تفكر، ۱۴۱۵ق؛ الدر المختار: الحصكفي (م. ۱۰۸۸ق)، بیروت، دار الفكر، ۱۴۱۵ق؛ ذكرى: الشهيد الاول (م. ۷۸۶ق)، قم، آل البيت عليه السلام، ۱۴۱۹ق؛ زبدة البيان: المقدس الاردبيلي (م. ۹۹۳ق)، به كوشش يهودي، تهران، المكتبة المرتضويه؛ السرائر: ابن ادريس (م. ۵۹۸ق)، قم، نشر اسلامي، ۱۴۱۱ق؛ شرائع الاسلام: المحقق الحلي (م. ۶۷۶ق)، به كوشش سيد صادق شيرازي، تهران، استقلال، ۱۴۰۹ق؛ شرح مختصر خليل: محمد الخرشي (م. ۱۱۰۱ق)، بیروت، دار الفكر؛ شرح مسند ابى حنيفة: ملاعلى القاري (م. ۱۰۱۴ق)، بیروت، دار الكتب العلمية؛ صحيح البخاري: البخاري

(م. ۱۰۹۱.ق.)، به کوشش ضیاء الدین، اصفهان، مکتبه الامام امیر المؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۶ق؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴.ق.)، قم، آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۲ق؛ هداية الامة الى احکام الائمه: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴.ق.)، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.

حمیدرضا خراسانی



استرآبادی، ابراهیم بن محمد ←

ابراهیم بن محمد استرآبادی

استرآبادی، محمد امین: از

دانشوران نام‌آور امامیه و بزرگان اخباری،

ساکن در حرمین، مدفون در جنة المعلات

(م. ۱۰۳۶.ق.)

محمد امین بن محمد شریف استرآبادی از دانشوران نام‌آور امامیه و از بزرگان مکتب اخباریگری است. از تاریخ تولد و زندگینامه وی آگاهی چندان در دست نیست؛ جز آن که به گفته خود، مدتی از جوانی خویش را در شیراز گذرانده و برخی علوم عقلی و کتاب‌های اصولی را در چهار سال نزد شاه تقی الدین محمد نسابه (م. ۱۰۱۹.ق.) فراگرفته است.^۱ گویا زمانی دیگر نیز در شیراز اقامت

۱. الفوائد المدنیة، ص ۲۶۵؛ نک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۲۸۰.

داشته و از آن جا به مکه سفر کرده است.^۲ همچنین وی به نجف رفته و از استادانی چون شیخ حسن بن زین الدین، صاحب معالم (م. ۱۰۱۱.ق.) و سید محمد عاملی، صاحب مدارک (م. ۱۰۰۹.ق.)، علوم نقلی همچون حدیث و رجال و فقه و اصول را آموخته^۳ و به دریافت اجازه اجتهاد از ایشان توفیق یافته است.^۴ به گفته خود وی، دریافت اجازه او از صاحب مدارک در جوانی و به سال ۱۰۰۷.ق. بوده است.^۵

هنگام مهاجرت او به حرمین مشخص نیست. از سال ۱۰۱۵.ق. به مدت ۱۰ سال در مکه مکرمه، نزد واپسین استادش میرزا محمد استرآبادی (م. ۱۰۲۸.ق.) که پدر همسرش نیز بود، فقه و حدیث و رجال آموخت و به اخذ اجازه روایت از وی توفیق یافت.^۶ او مدتی طولانی نیز در مدینه اقامت گزید و مکتب علمی خود را در این شهر بنیان نهاد.^۷ پس از مجاورت در مدینه منوره، در مکه معظمه سکونت گزید و به سال ۱۰۳۶.ق. در مکه

۲. الفوائد المدنیة، ص ۲۷۸، ۵۳۵-۵۳۶؛ نک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۲۸۰.

۳. الفوائد المدنیة، ص ۵۸-۵۹.

۴. الفوائد المدنیة، ص ۱۳؛ روضات الجنات، ج ۱، ص ۱۲۹.

۵. الفوائد المدنیة، ص ۵۸-۵۹.

۶. فهرس التراث، ج ۱، ص ۸۴۶؛ الذریعة، ج ۱۱، ص ۲۶.

۷. الفوائد المدنیة، ص ۵۹.

۸. الفوائد المدنیة، ص ۲۸۰.